

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۹، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۱ تا ۲۳

## بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان

منصور امینی

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران

(Email: m\_amin@sbu.ac.ir)

رشید عنایت‌تبار\*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶)

### چکیده

مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران با عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی دارد. بیان انواع عوامل مداخله‌گر با عنوان مداخله‌گر مستقل و وابسته نشان می‌دهد که مداخله‌گر مستقل با مباشر شباهت دارد و مداخله‌گر وابسته شبیه مباشر ضعیف است. هرچند با تغییرات به‌وجود آمده به‌موجب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در حالت اجتماع سبب و مباشر اصولاً هر دو مسئول بوده، با تفاوت تأثیر میزان مداخله، مسئولیت نیز به‌طور نسبی خواهد بود و گرایش با عوامل مادی و عینی در حقوق ایران بیش از عوامل سرزنش‌پذیری و غیرمادی است. ضمان سبب مقدم در تأثیر نیز که در حالت اجتماع اسباب طولی در فقه و حقوق ایران شهرت دارد، به همان ضمان سبب و عامل اولیه در مقابل عامل مداخله‌گر وابسته بی‌شباهت نیست. مباشری که تحت تأثیر عامل اولیه به جنایت و آسیب اقدام نموده، در حقوق ایران با وصف عدم سلب اراده مسئول است، برخلاف رویه حقوق انگلستان که چنین مباشری عامل مداخله‌گر وابسته و غیرمسئول است.

### واژگان کلیدی

سبب، عامل مداخله‌گر مستقل، عامل مداخله‌گر وابسته، مباشر.

\* نویسنده مسئول، فاکس: ۰۱۱۳۲۲۹۴۶۸۰  
Email: r.enayattabar@gmail.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین بحث در حقوق، به‌ویژه در مسئولیت مدنی، بحث سببیت و تعیین سبب مسئول است. تعیین عامل زیان در حقوق مسئولیت مدنی با وجود سادگی ظاهری در بعضی مواقع از جمله زمانی که اسباب متعددی باعث ورود ضرر شده باشد، بسیار مشکل است. حقوق‌دانان و فقها برای تحمیل مسئولیت مدنی با برشمردن عناصر و ارکان مسئولیت یعنی وجود عامل زیان‌بار و ضرر وارده و نیز رابطه سببیت به توضیح و تفصیل آن می‌پردازند و چنانچه تنها یک سبب به‌عنوان عامل زیان باشد، حکم به جبران خسارات وارده می‌دهند، لیکن وقتی با اجتماع علل و اسباب مواجه می‌شوند، نظریات متفاوتی ابراز می‌دارند و قانون‌گذاران نیز تحت تأثیر این نظریات قرار دارند. در این مقاله پرسش این است که آیا رابطه سببیت و مسئولیت مدنی سبب و مباشر در فقه و حقوق ایران همانند عامل یا سبب مداخله‌گر<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان است یا خیر؟ این تحقیق پیش‌تر به صورت مستقل انجام نشده است. ما در اینجا ابتدا مفاهیم سبب و مباشر و عامل مداخله‌گر را بیان می‌کنیم و سپس مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و پس از آن به بررسی رابطه سببیت و مسئولیت مدنی عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان و تطبیق میان آن دو خواهیم پرداخت و درنهایت نتیجه مقاله بیان می‌شود.

## مفاهیم سبب و مباشر و عامل مداخله‌گر

### ۱. مفهوم سبب و مباشر در حقوق ایران

این دو اصطلاح بیشتر در فقه اسلامی و در مبحث جنایات تعریف شده است. حقوق‌دانان نیز در تعریف آن‌ها گفته‌اند: «هرگاه دو یا چند نفر موجب ورود خسارت به دیگری شوند، آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست او را مباشر گویند و دیگری یا دیگران که بین عمل او و خسارت، عمل مباشر واسطه شده است سبب نامیده می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲).

لذا می‌توان گفت: «مباشر جرم، کسی است که خود، بی‌واسطه و بطور مستقیم مرتکب جرم شود، مثل اینکه خود با دست کسی را بکشد، یا خفه کند. و نیز کسی که با واسطه‌ای به ارتکاب جرم دست زده که از نظر عرف مردم، از آنجا که مشخص و آشکار نیست، واسطه محسوب نمی‌شود و جرم به خود او مستقیماً نسبت داده می‌شود، مانند کسی که با کارد و شمشیر یا تفنگ و هفت تیر، که واسطه قتل و ابزار آن است، کسی را بکشد» (فیض، ۱۳۷۰، ص ۳۲۲).

1. intervening cause

«مجرمی که جرم را نه مستقیماً و به خودی خود، بلکه به واسطه انجام می‌دهد، سبب جرم و مجرم سببی است به عبارت دیگر مجرم سببی، کسی است که میان کار او و نتیجه مجرمانه، واسطه وجود داشته باشد که اگر وجود نداشت، جرم تحقق نمی‌یافت» (همان). در حقیقت در مباشرت اگرچه شاید جنایت و ضرر و زیان با واسطه ابزار و وسایلی صورت گیرد، لیکن موضوع مهم، انتساب جنایت و ضرر و زیان به شخص مباشر است که به صورت مستقیم و بلاواسطه شخصی دیگر حاصل می‌شود. همان‌طور که یکی از فقها اشاره می‌کند: «از بین رفتن به او استناد داده شود خواه بدون واسطه یا با واسطه» (نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۱۴۱). منظور از باواسطه استفاده از ابزار و وسایلی در از بین بردن مال و جان دیگری است.

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز در ماده ۴۹۴ در تعریف مباشرت مقرر می‌دارد: مباشرت آن است که جنایت به‌طور مستقیم از سوی خود مرتکب واقع شود و در ماده ۵۰۶ در تعریف تسبیب آمده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به‌طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

## ۲. مفهوم عامل مداخله‌گر<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان

عامل مداخله‌گر که به تعبیری سبب طاری نیز گفته می‌شود، «هر عاملی است که در سلسله‌ی اسباب میان فعل متهم و نتیجه مجرمانه واقع می‌شود. شرط اساسی برای این که عاملی سبب طاری باشد، این است که پس از ارتکاب کار متهم، وارد شود، اما اگر ورودش هم‌زمان با فعل ارتكابی متهم باشد، عامل طاری شمرده نمی‌شود؛ بنابراین، بر پایه‌ی قاعده کلی نمی‌تواند رابطه سببیت فعل و نتیجه را از میان ببرد» (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۴). عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان موقعی حادث می‌شود که یک یا چند عامل قبلاً برای ایجاد صدمه و تلف به‌وجود آمده باشند و در حالت متوالی ظاهر شده، به نتیجه ختم می‌شوند و آن سببی که موجب حدوث نتیجه می‌گردد یک عامل مداخله‌گر تلقی می‌شود. عامل مداخله‌گر می‌تواند ناشی از شخص ثالث یا قوه قاهره و حوادث طبیعی یا ناشی از عامل یا عوامل اولیه ضرر و آسیب‌های وارده باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عامل مداخله‌گر را به عامل مداخله‌گر مستقل<sup>۲</sup> و عامل مداخله‌گر وابسته<sup>۳</sup> تقسیم نمود.

«اگر نتیجه از عمل مداخله‌گر یا حادثه‌ای ناشی شود که به‌طور کامل با عمل متهم

1. Intervening Cause  
2. Independent intervening cause  
3. Dependent intervening cause

بی‌ارتباط بوده و قابل پیش‌بینی نبوده باشد، متهم مسئول نخواهد بود و جایی که نتیجه با ترکیبی از عمل متهم و عمل مداخله‌گر ناشی شود و عمل متهم به‌عنوان یک سبب اساسی باقی بماند، او (مرد یا زن) همچنان مسئول است» (Elliott Catherine and Frances Quinn, 2002, P.10).

کاملاً روشن است که اولی یک عامل مداخله‌گر مستقل بوده و زنجیره علیت و سببیت بین عمل متهم اولیه و نتیجه را قطع می‌کند و دومی یک عامل مداخله‌گر وابسته است و نمی‌تواند این زنجیره را قطع کند و متهم و مرتکب اولیه همچنان دارای مسئولیت خواهند بود. پس عامل مداخله‌گر مستقل یک عامل کاملاً بی‌ارتباط و بدون وابستگی با سبب یا سبب‌های اولیه است و عامل مداخله‌گر وابسته با سبب یا سبب‌های اولیه مرتبط و وابستگی دارد. اولی قاطع زنجیره علیت است و دومی قاطع زنجیره علیت نیست. عامل مداخله‌گر مستقل به عنوان «سبب جانشین»<sup>۱</sup> هم نامیده شده است.

عامل مداخله‌گر وابسته نیز به نقل از جوشا درسلر، دانشمند نامدار امریکایی، علت مداخله‌گر واکنشی یا بازتابی تعبیر شده است و در تعریف آن گفته‌اند: «عملی است که در واکنش یا پاسخ (نتیجه) عمل خطای پیشین متهم انجام شده است» (طاهری نسب، ۱۳۸۹، ص ۵۵۴). همچنین هارت و هونوره، استادان بزرگ دانشگاه آکسفورد، تعبیر «سبب جانشین» را به نقل از حکم صادره در دعوای «Carbo V. State» به‌کار برده‌اند (هارت و هونوره، ۱۳۹۲، ص ۷۴). البته همان‌طوری که گفته شد «سبب جانشین» معادل عامل مداخله‌گر مستقل در نظر گرفته شده است.

## سبب و مباشر در حقوق ایران

مسئولیت مدنی سبب و مباشر در فقه و حقوق ایران هم در حوزه اتلاف اموال و هم در حوزه جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص مورد بحث قرار می‌گیرد. از آنجایی که موضوع این مقاله فقط مسئولیت مدنی سبب و مباشر است ناگزیر چارچوب بحث حاضر صرفاً مربوط به اتلاف اموال و آن بخش از جرایم یا به اصطلاح فقهی جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص است که مستلزم دیه است.

دیه به‌عنوان مجازات در قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> پیش‌بینی شده لیکن با وجود اختلاف نظر حقوق‌دانان در خصوص ماهیت مجازات یا غرامت بودن دیه در گذشته و با وجود ماهیت دوگانه

1. Superseding Cause

۲. ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی: مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد ب- قصاص پ- دیه ت- تعزیر.

این نهاد فقهی - حقوقی نهایتاً در ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲<sup>۱</sup> بر ترتب احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان بر دیه تأکید شده است. لذا دیه در حقیقت نقطه تلاقی مسئولیت مدنی و کیفری است، و وقتی در بحث سبب و مباشر مسئولیت پرداخت دیه مطرح می‌شود؛ یعنی در این بحث در پی تعیین مسئولیت مدنی سبب و مباشر هستیم و به‌ناچار در موضوعات حقوقی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی به‌ویژه سال ۱۳۹۲<sup>۱</sup> به بررسی و توصیف و تحلیل خواهیم پرداخت و در کنار آن به‌خصوص بحث تلف اموال در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی هم وارد این حوزه شده است.

### ۱. سبب و مباشر در قانون مدنی

در ماده ۳۳۲ قانون مدنی<sup>۲</sup> همچون ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰<sup>۳</sup> بدون پرداختن به حالات مختلف سبب و مباشر به صورت یک حکم کلی صرفاً در اجتماع سبب و مباشر حکم به مسئولیت مباشر داده شده است؛ مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد، و نیز در قانون مدنی بر صدق عرفی استناد اتلاف به سبب تأکید شده است. در حقیقت همچون نظر فقهی که بعداً خواهد آمد، اتلاف را به صورت مستقیم و بی‌واسطه در قالب مباشرت دانسته و به صورت باواسطه و غیرمستقیم در قالب سبب و تسبیب قرار داده است. آنچه مسلم است باید خسارت به عمل عامل زیان، خواه سبب و خواه مباشر، مستند باشد و رابطه سببیت عرفی احراز گردد؛ امری که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹<sup>۴</sup> این‌گونه آمده است: هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا ... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. رابطه‌ای که در تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص مطالبه دیه و خسارت از اشخاص حقوقی بیان شده است.<sup>۴</sup> ماده ۳۳۲ قانون مدنی که چگونگی مسئولیت مدنی سبب و مباشر را بیان می‌کند، در حقیقت برگرفته از فقه امامیه است (بجنوردی، بی‌تا، ص ۲۴).

«بنابراین یکی از ارکان مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت عرفی میان فعل زیانبار و ضرر

۱. ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی: دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاوتر بری نمی‌گردد.
۲. ماده ۳۳۲ قانون مدنی: هرگاه یک نفر سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.
۳. ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰<sup>۳</sup>: در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.
۴. تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲<sup>۱</sup>: چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود، دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود.....

حادث شده است. لذا کسی که عرفاً تلف به او استناد دارد، مسئول قلمداد می‌شود» (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). در هر حال به اجمال باید بگوییم در حالت تساوی ضعف و قوت سبب و مباشر، این مباشر است که رابطه سببیت بین سبب و نتیجه را قطع می‌کند و در غیر این صورت یعنی اقوی بودن سبب با وجود دور بودن از نتیجه طبق قانون مدنی به‌عنوان مسئول مدنی در پرداخت خسارت است. «در موردی که سبب قوی‌تر از مباشر باشد دیگر وجهی برای مقدم داشتن مباشر وجود ندارد و بایستی مسبب را ضامن دانست، مباشر، در صورتی قوی‌تر از مسبب است که اتلاف اختیاری و عمدی باشد. پس، هرگاه مباشر در اثر اکراه دیگری مال را تلف کند یا در حال خواب مرتکب اتلاف شود یا اتلاف را به‌إذن شرعی انجام دهد. چون مباشرت ضعیف‌تر از تسبیب است، باید مسبب را ضامن شناخت» (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص ۸۵).

## ۲. سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ش

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم برابر مواد ۴۹۴ و ۵۰۶، مباشرت آن است که جنایت مستقیماً از سوی مرتکب صورت گیرد. تسبیب و سبب جنایت آن است که غیر مستقیم جنایت حاصل شود و سبب تلف‌شدن و مصدومیت دیگری شود. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ش بدون تصریح به مسئول بودن مباشر در ماده ۵۲۶ اشعار داشته است: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایاتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است...». با وجود تصریح نشدن مسئولیت مباشر در این ماده، به‌نظر می‌رسد که عرف، مسئول بودن مباشر را منطبق بر اصل می‌داند و مسئولیت سبب را نیازمند اثبات اقوی بودن آن، مثل مواردی که مباشر بنا به تصریح ماده ۵۲۶، بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد که در این صورت «فقط سبب ضامن است». عبارت «و مانند آنها» در ماده قانونی، ظاهراً شامل مواردی که مباشر از روی ناچاری اقدام می‌کند، می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

### ۲.۱. تعدد عوامل در عرض هم

**الف) تعدد مباشران در عرض هم.** آنچه برای تحمیل کیفر در مسئولیت کیفری لازم است البته صرف نظر از عنصر روانی و شرایط دیگر صرفاً قابلیت استناد جرم به مرتکب است و میزان دخالت و تأثیر فعل مرتکبان و میزان تقصیر و ارزیابی آن مد نظر قرار نمی‌گیرد و کیفر برای مباشران جرم سرشکن نمی‌شود، بلکه برای شرکت در جرم هرکدام مجازات فاعل مستقل را

دارند<sup>۱</sup> و میزان تأثیر فعل مرتکبان حداکثر در تخفیف مجازات مؤثر است: «شریک جرم، همانند مباشر مادی جرم به کسی اطلاق می‌شود که شخصاً اعمال مادی تشکیل‌دهنده جرم را انجام دهد، ولی از این جهت چنین فردی را شریک جرم می‌دانند که به همراهی شخص یا اشخاص دیگری اعمال مادی تشکیل‌دهنده جرم را به مورد اجراء می‌گذارد» (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹). لیکن در خصوص جنایاتی که موجب دیه است، علاوه بر مسئله استناد عمل به مرتکب و احراز رابطه استناد و رابطه سببیت چه‌بسا میزان تأثیر عمل شرکا و مرتکبان هم می‌تواند مد نظر و بررسی قرار گیرد و لازم است این مسائل با هم خلط نشوند. در ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص اشتراک در جنایت آمده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکاء یا عاقله آنها به‌طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است». این ماده نشانگر تساوی در ضمان و مسئولیت مدنی مباشران در عرض هم یا همان شرکای در جرم منتهی به دیه است و یک دیه تعیین و به تساوی بین مباشران سرشکن می‌گردد برخلاف مسئولیت کیفری محض مثل قصاص و تعزیرات که چنین حالتی را ندارند. حتی بعضی اعتقاد به تقسیط دیه میان مباشران دارند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ص ۲۵۹) و مسلم است که مجازات قابل تقسیط بین شرکا نیست. لذا ماهیت دوگانه دیه موجب رویکردی دوگانه در وضع قوانین شده است. در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش<sup>۲</sup> و در ادامه رویکرد تساوی دیه در خصوص مباشران صراحتاً به ضمان به تساوی حکم داده شده است.

قانون‌گذار در ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی<sup>۳</sup> نمونه‌ای از دخالت مباشران هم‌عرض را

۱. ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ش: هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار آنها باشد خواه رفتار هریک به‌تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هریک از آنان مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

۲. ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ش: هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند.

۳. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی: هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمده نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هرکدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند حسب مورد عاقله یا خود مرتکب نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او بپردازند.

مطرح کرده و در این مورد خاص یعنی برخورد بی‌واسطه دو نفر با یکدیگر به میزان تأثیر آن‌ها در برخورد اشاره کرده و حکم به تساوی در ضمان دیه را به برابر بودن تأثیر مداخله مشروط نموده است.

هرچند با وجود مواد ۴۵۳ و ۵۳۳ این قانون که صراحتاً در مورد مباشران هم‌عرض و شرکای جرم حکم به اشتراک و تساوی در پرداخت دیه دارد و به‌عنوان قاعده مطرح شده نمی‌توان به ماده ۵۲۷ و حکم آن جز به‌عنوان استثنا نگاه کرد و قابل تسری به موارد دیگر دانست، ولی به دلیل همان تفاوت مسئولیت کیفری شرکای جرم و مسئولیت مدنی آن‌ها منطقی و معقول و مطابق قاعده آن بود که در همه موارد مسئولیت مدنی و پرداخت دیه به میزان مداخله مرتکبان توجه می‌شد. بعضی خواستند ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را به مسئولیت دو یا چند مباشر هم‌عرض نسبت دهند (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱) که با توجه به صراحت دلالت ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به حالت اجتماع دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب، در وقوع جنایت چنین برداشتی دور از حکم این ماده است.

**ب) تعدد اسباب در عرض هم.** اگر دو نفر با هم چاهی بکنند و یک نفر در آن چاه سقوط کند، این دو در عرض یکدیگر هستند (قیاسی، ۱۳۹۴، ص ۸۵). تعدد اسباب در عرض هم به‌نحوی است که چند سبب هم‌زمان و بدون اینکه وجود یکی متوقف بر وجود دیگری باشد و یا مقدمه تأثیر سبب دیگری باشد عمل می‌کنند و مشمول حکم ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی و تساوی در ضمان هستند.

**ج) اجتماع سبب و مباشر در عرض هم.** به‌نظر می‌رسد در حالت اجتماع سبب و مباشر در عرض هم، یعنی تأثیر و مداخله هم‌زمان و بدون وابستگی و توقف تأثیر یکی بر دیگری و مستقل بودن تأثیر و مداخله آنان، حکم شرکت و تساوی ضمان حاکم است و اطلاق ماده ۵۲۶ شامل این حالت هم می‌شود و نیز ماده ۵۳۳ در خصوص شرکت در جنایت قابل تسری به این حالت است. «در این مورد که در صورت تساوی سبب و مباشر، آیا باید ایشان را شریک قلمداد کرد، اختلاف نظر است. در غیر مورد جنایات معمولاً قضات دادگاه‌ها سبب و مباشر هم‌عرض را شریک قلمداد می‌کنند ولی در جنایات بنظر می‌رسد تمایل قضات به عدم توسعه مفهوم مشارکت به اسباب است» (حاجی ده‌آبادی، بی‌تا، ص ۱۴۴).

## ۲.۲. تعدد عوامل در طول هم

**الف) تعدد مباشران در طول هم.** اصولاً مباشران متعدد طولی هم باید بر اساس ماده ۵۳۳ و حالت مشارکت در جنایت و به صورت مساوی مسئول باشند؛ هرچند بعضی حدوث مباشرت بر



مباشرت را نپذیرفتند و گفته شده است: «به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم مباشرت، مباشرین متعدد نمی‌توانند در طول هم باشند (محسنی و ملکوتی، بی‌تا، ص ۱۴۴). ولی با توجه به قانون مجازات اسلامی که اصولاً استناد عمل به مرتکب و صدق عرفی این استناد ملاک است و با توجه به مواد ۱۳۷۱ و ۳۷۲ این قانون می‌توان در حالت تعدد مباشران طولی بر اساس استناد عرفی نتیجه به یکی از مباشران مقدم یا مؤخر، هر کدام را مسئول جنایت تلقی نمود و در غیر این صورت و استناد به هر دو، همان حکم تساوی در ضمان را جاری دانست.

**ب) تعدد اسباب در طول هم.** اگر اسباب در عرض هم متعدد باشند، دو حالت در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است:

- تعدد اسباب غیرمجاز در طول هم. در خصوص توالی اسباب غیرمجاز، ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است؛ مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته ضامن است، مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم شمرده می‌شود.

این ماده دو قسمت دارد که قسمت اول همچون نظر مشهور فقها مسئولیت را با سبب مقدم در تأثیر می‌داند و هرچند با وجود غیرمجاز بودن هر دو و دخالت هر دو سبب در وقوع جنایت، منطقی این بود که هر دو ضامن باشند. در قسمت دوم، اشاره به عمد یعنی سوءنیت جزایی دارد و در این حالت هر دو را شریک جرم دانسته، مشمول شرکت در جرم می‌داند و لذا با داشتن عمد هر دو مسئولیت خواهند داشت.

- تعدد اسباب غیرمجاز و مجاز در طول هم. در این مورد ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر

۱. ماده ۳۷۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ش: هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به‌تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود.

۲. ماده ۳۷۲ همان قانون: هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به‌گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌گردد. حکم این ماده و ماده ۳۷۱ در مورد جنایت عمدی نیز جاری است.

عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.»

با اندکی دقت معلوم می‌شود این ماده هم دو قسمت دارد در قسمت اول غیرمجاز بودن باعث ایجاد رابطه سببیت میان نتیجه و عمل شده، سبب غیرمجاز مسئول تلقی می‌گردد و در قسمت دوم با اینکه عمل نفر دوم سبب مؤخر در وجود است، لیکن چون با علم و آگاهی و عمد صورت گرفته و آسیب و ضرر با این عمل قابل پیش‌بینی بوده، لذا همین سبب مسئول است. «در هر حال با تفسیری که در بالا گفته شد، از مجموع دو ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ چنین به دست می‌آید که اگر هر دو سبب عامد باشند هر دو ضامنند و اگر هر دو غیرمجاز اما غیر عامد باشند سبب مقدم در تأثیر و اگر یکی مجاز و دیگری غیرمجاز باشد غیرمجاز ضامن است و اگر یکی مقصر و دیگری عامد باشد سبب عامد ضامن است (قیاسی، بی‌تا، ص ۸۹).

**ج) اجتماع سبب و مباشر در طول هم.** ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص اجتماع سبب و مباشر مقرر می‌دارد: هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت، بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است. این ماده یک نوآوری در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ش است. پیش از تصویب این ماده به‌موجب ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ش مشابه حکم ماده ۳۲۲ قانون مدنی آمده بود: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». البته ماده ۵۲۶ هم در صورت اقوی بودن سبب از مباشر مسئولیت را به‌عهده سبب گذاشته است و در ذیل ماده بعضی از مصداق‌های سبب اقوی را نام برده ولی در ادامه از عبارت «و مانند آنها باشد» استفاده کرده و غیرحصری بودن این اسباب را اعلام داشته است.

«مثال‌های زیر را می‌توان از جمله‌ی مواردی دانست که در آنها سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود: پرستاری در اجرای دستور پزشک، داروی سمی را، که نمی‌داند سمی است، به بیمار می‌خوراند، مأمور اجرای حکم اعدام به دستور مقام مافوق و بدون اطلاع از نادرستی دستور، شخص بی‌گناهی را به جای شخص محکوم اعدام می‌کند، زنی که توسط دیگری با خودرو ربهوده شده است برای فرار از دست وی خود را از خودروی در حال حرکت به بیرون پرتاب می‌کند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

حال اگر سبب اقوی نباشد، هر کدام از سبب و مباشر که جنایت به آن‌ها مستند باشد، ضامن هستند و اگر به هر دو یعنی به سبب و مباشر مستند باشد، به صورت اشتراکی و مساوی ضامن هستند. اما متأسفانه قانون‌گذار ضامن اشتراکی (نسبی) را به شکل جمله شرطی بیان کرده و معین نکرده که در چه مواردی جنایت مستند به همه عوامل است در حالی که می‌توانست به شکل قاطع بیان کند که در چه حالاتی مستند به همه و در چه حالاتی مستند به سبب و مباشر است. البته باید عرف و داوری عرف را معیار قرار دهیم و بینیم از نظر رفتار متعارف و معقول کدام عامل مستند جنایت است.

آنچه به‌عنوان مسئله مهم و خلاف قوانین مدنی و مجازات اسلامی سابق در ماده ۵۲۶ آمده، مسئولیت سبب و مباشر به نسبت تأثیر مداخله آن‌ها است. این امر برای مسئولیت مدنی و پرداخت دیه کاملاً منطقی است، ولی به‌عنوان مسئولیت کیفری کاربردی ندارد و تأثیر میزان مداخله در مسئولیت کیفری منتفی است که قبلاً در این خصوص توضیح دادیم.

نکته پایانی در خصوص سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی مقایسه ماده ۴۹۹ و ۵۲۶ قانون در مورد شخص بی‌اختیار است. البته در مورد سایر مباشران مورد اشاره در ذیل ماده ۵۲۶ در مبحث بررسی فقهی توضیح خواهیم داد، لیکن در این خصوص (شخص بی‌اختیار) ماده ۴۹۹ مصدق را مطرح می‌کند که در ذیل مجموعه مواد مرتبط با مباشرت در جنایت است که مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه به خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است». علت گنجانیدن این ماده در ذیل مجموعه مواد قانونی مرتبط با مباشر به‌نظر می‌رسد تلقی قانون‌گذار از مباشر بی‌اختیار به‌عنوان یک وسیله جنایت بوده است و ترساننده را مباشر با وسیله می‌داند. لیکن همین مباشر بی‌اختیار در ماده ۵۲۶ در مقام بیان اجتماع سبب و مباشر آمده که در آنجا سبب را اقوی از مباشر دانسته است و به‌نظر می‌رسد با وجود ماده ۵۲۶، ذکر مصدق مقرر در ماده ۴۹۹ حداقل در خصوص آسیب به دیگری زائد و غیرضرور بوده است و ماده ۴۹۹ هم می‌توانست مصدق از اجتماع سبب اقوی و مباشر باشد. البته در ماده ۳۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ ش عبارت «ایراد صدمه به دیگری» نبوده است. در مورد شرط بی‌اختیار شدن مباشر هم عقیده یکی از حقوق‌دانان این است که «شاید بهتر آن بود که شرط مسئولیت ترساننده را معقول بودن عکس‌العمل فرد مرتکب بنا به قضاوت عرف می‌دانست و درواقع با این کار موضوع را به داوری عرف وا می‌گذاشت» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). یعنی اگر شخص با اختیار و اراده و در اثر ترس دیگران دست به کاری می‌زد و کارش هم معقول و مطابق اوضاع و احوال ناشی از عملکرد ترساننده بود، باز هم باید از مسئولیت مبرا می‌شد و فقط ترساننده مسئول تلقی

می‌شد. حال در این حالت یعنی اگر هم ترس وجود داشت و هم اختیار، می‌توان با توجه به ماده ۵۲۶ سبب و مباشر را به‌طور مساوی یا با تأثیر میزان مداخله به‌طور نسبی مسئول قلمداد کرد. شایان ذکر است در ماده ۱۵۳۷ قانون مجازات اسلامی هم نکته‌ای مهم اعلام گردید و آن اینکه درحقیقت بر اساس قاعده اقدام که از مسقطات ضمان است، چنانچه جنایت به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد، ضمان ثابت نیست، همان‌طور که اگر مباشر انگیزه احسان و کمک به دیگری را داشته باشد با شرایط ماده ۲۵۱۰ ضامن نیست که البته در اینجا در پی بحث مسقطات ضمان نیستیم.

در این بخش بعضی از مصادیق مباشر ضعیف و استناد جنایت به سبب را توضیح می‌دهیم:

- **مباشر مغرور (فریب خورده).** اگر مباشر به سبب عمل خدعه‌آمیز دیگری فریب بخورد، مسلم است که این مباشر ضعیف است و رابطه سببیت بین عمل مباشر و ضرر برقرار نمی‌گردد و این شخص گول‌زننده و به‌اصطلاح غار است که زنجیره سببیت را قطع می‌کند و خود مسئول پرداخت خسارت تلقی می‌شود. در اینجا قصد نداریم به دلایل قاعده غرور بپردازیم، بلکه هدف بیان مصداقی از ضعف مباشر است. آنچه در شخص مغرور شرط است، عدم آگاهی وی از عملیات خدعه‌آمیز فریب‌دهنده است. لیکن بر اساس قاعده «الْمَغْرُورُ يَرْجِعُ إِلَى مَنْ غَرَّهُ» آیا اگر فریب‌دهنده خودش جاهل به موضوع باشد، یعنی سبب خودش نداند که دارد فریب می‌دهد، تکلیف چیست؟ فرض کنید شخصی نداند که سببی متعلق به خودش نیست و تصور می‌کند به خودش تعلق دارد و به دیگری بدهد تا بخورد، آن وقت هر دو جاهل باشند، آیا سبب ضامن است؟ بعضی قائل به ضمان نداشته‌اند و جهل فریب‌دهنده را باعث رفع مسئولیت می‌دانند و استناد به قاعده غرور را صحیح نمی‌دانند (سید محمدکاظم یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷). لیکن بعضی دیگر جهل و علم را برای فریب‌دهنده بی‌تأثیر دانسته، در هر حال وی را ضامن می‌شمرند (میرزا حسن موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷). بر مبنای این نظر، در ضمان غرور تقصیر شرط نیست و همین امر می‌رساند که تقصیر در همه انواع تسبیب از ارکان مسئولیت نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، وجود رابطه عرفی میان کار

۱. ماده ۵۳۷ ق.م.ا: در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیری مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

۲. ماده ۵۱۰ ق.م.ا: هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن نیست.

مسبب و ورود زیان به دیگری است و گاه تقصیر او برای تحقق این رابطه ضرورت دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص ۸۹).

- **مباشر جاهل.** جاهل به علت بی‌اطلاعی و عدم آگاهی از وجود سبب مسئول نیست و جنایت به وی مستند نیست و نمی‌تواند قاطع زنجیره سببیت باشد. «جاهل و مغرور هر دو در بی‌اطلاعی از سبب، مشترکند ولی تفاوت آنها در این است که در جاهل وی خودبخود از مسئله بی‌اطلاع است ولی در مغرور جهل وی ناشی از عمل «غار» یا همان فریب‌کار است» (قیاسی، بی‌تا، ص ۱۲۳).

- **مباشر مکره.** به‌جز در قتل که اکراه مجوز قتل نیست، در سایر موارد مباشر مکره مسئولیت مدنی ندارد. «یعنی سبب مباشر را وادار و ملزم به عملی نماید که منجر به ورود خسارت و ضرر و تلف شود مثلاً هرگاه شخصی با تهدید و اکراه دیگری به کندن گودالی مجبور سازد و ماشین فردی در آن بیفتد و خسارت ببیند در اینجا تهدیدکننده و مکره که سبب است ضامن است نه تهدیدشده و مکره که مباشر است» (لطفی، ۱۳۹۲، ص ۶۹).

- **مباشر بی‌اختیار ناشی از ترس و اضطراب و غیره.** امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در مسئله یازدهم از مبحث مباشر می‌نویسد «اگر او را بترساند پس او فرار کند و خودش را از بلندی پرتاب کند یا به چاهی بیندازد و بمیرد پس اگر عقل و اختیارش به‌واسطه‌ی ترساندن او، از بین رفته باشد ظاهر آن است که شخص ترساننده ضامن است و گرنه ضمانی نیست» (موسوی الخمینی، بی‌تا، ص ۳۶۵).

اشاره شده است چون در اثر ترس، عقل و اختیار از بین می‌رود و عملاً شخص مثل یک وسیله بی‌جان می‌شود، به همین دلیل این مسئله در مبحث مباشرت آمده است. البته می‌توان ترساننده را سبب و شخص را که به خود آسیب زده است، مباشر دانست. به نظر شیخ طوسی (شیخ طوسی، بی‌تا، ص ۱۵۹) خود شخص مباشر ضامن است، ولی در حالت سلب اراده و اختیار، معقول است که سبب را ضامن بدانیم و نتیجه را به وی مستند کنیم.

اگر عمل ترساننده یا شخصی که طرف را در شرایط اضطراب قرار داده است باعث سلب اراده و اختیار نشود، تکلیف چیست؟ مسلم است اگر شخص با اراده و اختیار و بدون تأثیر سبب به خودش یا دیگری آسیب بزند ضامن است. البته اگر صدمه به خودش باشد، قاعده اقدام مسقط ضمان است. ولی اگر تحت تأثیر سبب به پرتاب خود از بلندی اقدام کند به‌ویژه اگر غالباً پرتاب از آن بلندی کشنده نباشد، چطور؟ «اما شیخ طوسی در این مورد نظر مخالفی دارد و گفته است اگر کسی را با شمشیر دنبال کنند و او خود را از پشت بام یا کوه پایین بیندازد یا خود را در آتش یا چاهی بیندازد دنبال کننده ضامن نیست. زیرا او شخص فراری را وادار (الجاه) به فرار کرده نه آنکه

و اداری به پرتاب کند و شخص فراری با اراده و اختیار، خود را در مهله انداخته است. بدین ترتیب، دنبال کننده سبب است و فراری مباشر و در اجتماع سبب و مباشر، اگر سبب ملجی (اجبار کننده) نباشد ضامن نخواهد بود، همان گونه که اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری کسی را به درون آن بیندازد، پرتاب کننده ضامن است نه حافر. سید جواد حسنی عاملی مؤلف کتاب مفتاح الکرامه به نقد نظر شیخ طوسی می پردازد و می گوید: اینکه شیخ گفته وی با اختیار خود را پرتاب کرده صحیح نیست زیرا او چاره ای جز این نداشته است» (قیاسی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰).

آنچه در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است و از تحریر الوسیله امام خمینی (ره) و مبسوط شیخ طوسی استنباط می شود، چنانچه مباشر دارای اختیار و اراده باشد، هر چند تحت تأثیر ترساننده به خود یا دیگری آسیب بزند، سبب ضامن نیست.

## عامل مداخله گر در حقوق انگلستان و تطبیق با سبب و مباشر در حقوق ایران

اصولاً عوامل مداخله گر به دو دسته تقسیم می شوند: عامل مداخله گر مستقل و عامل مداخله گر وابسته.

### ۱. عامل مداخله گر مستقل و تطبیق با سبب و مباشر

همان طوری که پیش تر گفته شد عامل مداخله گر مستقل یک فعل یا حادثه جدیدی است که ممکن است زنجیره قانونی سببیت را قطع و خواننده دعوی را از مسئولیت رها سازد<sup>۱</sup> (ای مارتین، ۲۰۰۶، ص ۷۷). البته تحت اصطلاحات و عبارات مختلف به لاتین Novus actus intervenient یا همان new intervening act (عمل مداخله گر جدید) و نیز independent intervening cause (سبب مداخله گر مستقل) و superseding cause (سبب جانشین) و سبب طاری گفته شده است. در حقیقت عامل مداخله گر مستقل می تواند رابطه سببیت مستقیم<sup>۲</sup> بین فعل و نتیجه را قطع کرده، تبدیل به یک رابطه غیرمستقیم نماید «از این رو رابطه سببیت در دو حالت مستقیم است»: میان فعل و نتیجه هیچ عاملی وارد نشود و اگر عاملی نیز وارد شد تابع<sup>۳</sup> باشد. اگر میان فعل و نتیجه عامل مستقلی وارد شود، رابطه غیرمستقیم است (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴). با ورود عامل مداخله گر مستقل که باعث «گسستن زنجیره علیت»

1. Sometimes a new act or event may break the legal chain of causation and relieve the defendant of responsibility.
2. Direct causation relationship
3. Dependent cause

(break the chain of causation) (Clerk & lindsell, 1995. P.54) می‌شود، سبب اولیه از مسئولیت رهایی می‌یابد. در اینجا مواردی از عوامل مداخله‌گر را توضیح داده، هم‌زمان به مقایسه آن‌ها با مسئولیت مدنی سبب و مباشر می‌پردازیم:

### ۱.۱. عمل ارادی ثالث

معمولاً عمل مداخله‌گر شخص ثالث، عامل اولیه را از مسئولیت علی‌رها می‌سازد (ANDREW ASHWORTH, 1992. P.104). یک اصل عمومی دکترین سنتی آن است که فعل یا ترک فعل یک انسان که آزادانه، عمدی و آگاهانه و به قصد ایجاد نتیجه باشد، رابطه سببیت را از بین می‌برد (H.L.A. HART AND HONORE. P.129). درحقیقت اگر شخصی بدون ارتباط و هماهنگی با سبب اولیه و به صورت مستقل و بدون وابستگی به جنایت اولیه، مرتکب عمل ارادی و آگاهانه در طول سبب اولیه شود، به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر مستقل تلقی شده، مسئول جبران خسارات است. «اکثر آراء در اینجا، مرتکب نخست را از مسئولیت مبرا می‌نمایند. در پرونده‌ی *smith v.state* متهم به‌طور غیرقانونی بزه‌دیده را مجروح نمود و پزشک در اثنای معاینه‌ی جرح، عمداً او را کشت. به موجب حکم صادره، این مداخله، متهم را از مسئولیت قتل مبرا نمود، در پرونده‌ی *People V.Elder* متهم با ضربه‌ای بزه‌دیده را به زمین زد، سپس عابری مستقلاً با لگدزدن به بزه‌دیده موجب مرگ او شد. متهم به لحاظ مداخله‌ی عابر، در ارتکاب قتل مقصر شناخته نشد» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

### ۱.۲. اقدام شخص زیان‌دیده

در برخی موارد خطای مجنی‌علیه موجب از بین رفتن رابطه سببیت میان کار متهم و نتیجه است. ضابطه این موارد آن است که روشن شود سهم خطای آسیب‌دیده در ایجاد نتیجه به‌گونه‌ی شایان ملاحظه‌ای به نقش فعل متهم برتری دارد. ارزیابی این مسئله در اختیار قاضی است (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳). اگر عملکرد قربانی آزادانه، غیرعادی، سرزنش‌پذیر و مستقل باشد، رابطه علیت را میان عمل متهم اصلی با صدمه نهایی قطع می‌کند. ولی اگر عملکرد مداخله‌گر قربانی غیرعمدی، اضطراری و کلاً قابل توجه و پیش‌بینی‌پذیر بوده باشد، رابطه علیت را قطع نمی‌کند (طاهری نسب، ۱۳۸۸، ص ۶۲۵). اگر عمل زیان‌دیده و مجنی‌علیه تحت تأثیر عامل اولیه و متهم باشد و در اثر اقدامات آن‌ها و هیجان ناشی از آن به‌نحوی طبیعی و غریزی مرتکب آسیب به خود گردد، مسئولیتی نخواهد داشت. ولی اگر حرکتی احمقانه، غیرقابل انتظار، غیرمعقول و غیرعادی انجام دهد و اقداماتی که ناشی از عامل اولیه نیست از او سرزند، مسلماً مسئولیت با خود قربانی است. «این مبتنی بر معیاری است که در دعوای «روبرتس» در

سال ۱۹۷۱م پذیرفته شد. در آن دعوی دختری برای جلوگیری از پیشروی‌های جنسی متهم از داخل یک اتومبیل در حال حرکت به بیرون پرید. مقرر گشت که اعمال دختر به‌طور معقول قابل پیش‌بینی بوده است. سببیت احراز می‌شود، لیکن اگر پریدن او از اتومبیل عملی احمقانه و یا غیرمنتظره بوده باشد، رابطه سببیت قطع می‌شود (G. M.V. CLARKSON. 1987. P.103)؛ یعنی در فرض اخیر، خود شخص زیان‌دیده مسئول عمل خودش است. اصولاً در نظام حقوقی کامن‌لا و از جمله حقوق کیفری ایالات متحده نیز وضع به همین منوال است. بر همین اساس، اگر «الف» با قصد جرح و نه قتل به طرف «ب» بیاید و موجب شود که «ب» از ترس جرح از جا پریده، فرار کند و در نتیجه آن «ب» کشته شود، «الف» محکوم به قتل غیرعمدی خواهد بود و چنانچه «ب» فقط مجروح گردد، مرتکب ضرب و جرح به حساب می‌آید. چنین اقدامات هیجانی که برای جلوگیری از آسیب انجام می‌شود کاملاً طبیعی است و لذا می‌توان گفت «الف» سبب قانونی چنین نتایجی است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۵۷). حتی در حقوق انگلیس «جبران دولتی خسارت معمولاً نسبت به بزه‌دیدگان بدون تقصیر به عمل می‌آید، چراکه تحمیل هزینه‌های جبران خسارت بر بودجه دولتی در مورد بزه‌دیدگانی که خود بستر و زمینه‌های بزه‌دیدگی خویش را فراهم ساخته‌اند چندان معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد» (فرجی‌ها و بازیار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴).

### ۳.۱. رفتار پزشک و مجنی‌علیه در درمان

در حقوق انگلیس در خصوص درجه خطای پزشکی مورد نیاز برای قطع زنجیره علی بین خطای مرتکب اولیه و صدمه مدعی تا حدودی نظر دوگانه وجود دارد (Douglas Hodgson. 2013). (P.18) گفته شده یک مشکل آن است که ادعا شود که سبب مؤثر جراحت و صدمه خواهان، خطای اولیه متهم نبوده، بلکه هم از اقدام درمانی غیرمعقول یا خودداری خواهان از درمان مؤثر و قابل حصول است (Clerk and lindsell. 1995. P.60). البته بی‌مبالاتی و خطای پزشکی و سهل‌انگاری و خطای مجنی‌علیه اصولاً موجب قطع رابطه سببیت بین عمل متهم اولیه و نتیجه نمی‌شود. خطای پزشکی که رابطه سببیت را از میان می‌برد، درمان همراه با خطای سنگین نامیده می‌شود. در این زمینه اگر کسی جراحی بر دیگری وارد کند و پزشک جراح در محل جراحی چه با سوءنیت و چه از روی سهل‌انگاری سم بریزد و این امر سبب مرگ مجنی‌علیه شود، متهم مسئول این نتیجه نیست (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۸). دادگاه‌ها تمایلی ندارند که قصور بزه‌دیده را در رعایت احتیاط‌های لازم در راستای سلامت خود، نافی رابطه سببیت بدانند؛ حتی اگر این قصور مرگ را تسریع کرده باشد. در پرونده «Levy» به شرح محتویات پرونده که پیش‌تر بررسی گردید، بزه‌دیده که تحت درمان بوده است، برخلاف توصیه پزشکانش



بیمارستان را به مدت ۴ ساعت ترک کرد. دادگاه در حکم صادره اعلام داشت که هیچ مدرکی دال بر اینکه غیبت او به مرگش کمک کرده یا بر شانس بهبودی او تأثیر گذاشته وجود نداشته است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰). در پرونده «تامپسون علیه بلیک جیمز»، پزشکی از روی بی‌احتیاطی به والدین کودک تزریق واکسن را توصیه نکرد و با ابتلای کودک به سرخک، والدین او دعوی علیه پزشک اقامه نمودند. از آنجا که والدین کودک به گفته‌های پزشک یادشده تکیه نکرده، به چند پزشک دیگر هم مراجعه نمودند، دعوی‌شان علیه پزشک اول رد شد (خادم رضوی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۴). درهرحال اگر ترک درمان هم به صورتی کاملاً احمقانه و غیرمعقول باشد، موجب قطع انتساب جرم و مسئول به عامل اولیه است.

#### ۴.۱. تطبیق با سبب و مباشر در حقوق ایران

نخست آنکه در خصوص عمل ارادی ثالث در حقوق ایران اگرچه به استناد قواعد فقهی و قانون مدنی در اجتماع سبب و مباشر اصولاً مباشر ضامن است، مگر سبب اقوی از مباشر باشد که با عامل مداخله‌گر مستقل شباهت دارد. ولی به استناد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی می‌توان هر دو عامل اولیه و ثانویه را با توجه به میزان تأثیر مداخله مسئول دانست که با عامل مداخله‌گر همخوانی ندارد.

دوم، در خصوص اقدام شخص زیان‌دیده در حقوق ایران برابر ذیل ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، چنانچه مباشر بی‌اختیار باشد فقط سبب ضامن است و اقدام مجنی‌علیه و زیان‌دیده اگر از روی اراده و اختیار خود صورت گیرد، سبب ضامن نیست و قاعده اقدام در حقوق و فقه اسلامی از عوامل رافع مسئولیت مدنی است. درواقع مالک نمی‌تواند هنگامی که اقدام به تلف مال خود می‌کند انتظار جبران خسارت از طرف دیگر را داشته باشد (میرشکاری، ۱۳۹۶، ص ۳۴۰). لذا درحالی که اقدام مجنی‌علیه دارای اختیار و اراده که تحت تأثیر عامل اولیه و معقول و قابل پیش‌بینی باشد در حقوق انگلستان قاطع زنجیره سببیت نیست، در حقوق ایران موجب مسئولیت مباشر بر مبنای قاعده اقدام است.

سوم، در مورد اقدامات درمانی پزشکی که در ادامه با یک سبب دیگر یا مباشر مواجه گردیده، درحقیقت همان بحث اجتماع سبب طولی که سبب مقدم در تأثیر ضامن است موضوع مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ و نیز اجتماع سبب و مباشر موضوع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی حاکم است و باید دید میزان تأثیر کار پزشک چقدر بوده، وگرنه ضامن به تساوی خواهد بود. در خصوص ترک درمان هم بر اساس ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی و قاعده اقدام عمل می‌شود. در فقه نیز امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در کتاب قصاص مسئله ۱۲ در مورد شخصی که رگ دیگری را بزند و مجروح عمداً یا از روی سهل‌انگاری و کوتاهی بر بستن آن اقدام نکند تا

بمیرد، گفته است نه قصاص و نه دیه نفس برای شخص اول نیست و فقط دیه رگ‌زدن را می‌پردازد (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۲۷۲). در مقایسه با حقوق انگلستان شاهد هستیم که در حقوق ایران مباشر و سبب هر دو مسئول‌اند و اگر مباشر یا عامل دوم و مداخله‌گر نسبت به خود جنایتی کند، براساس قاعده اقدام ضامن است. درحالی که در حقوق انگلستان اصل بر مسئولیت متهم و عامل اولیه است، مگر عامل مداخله‌گر مرتکب خطای سنگین پزشکی یا اقدام علیه خود به‌طور نامعقول شود.

## ۲. عامل مداخله‌گر وابسته و تطبیق با سبب و مباشر

پیش‌تر در مورد عامل مداخله‌گر و وابسته گفتیم که در مقابل عامل مداخله‌گر مستقل قرار دارد و درحقیقت اگر دو عامل در وقوع زیان و صدمه دخالت داشته باشند، به‌نحوی که عامل دوم تحت تأثیر و وابسته به عامل اول باشد، این عامل را مداخله‌گر وابسته می‌گوییم. در تعیین معیار وابستگی، عامل دوم یعنی «قابل پیش‌بینی بودن»<sup>۱</sup> هم مطرح شده است (Goodwin, schiesl 2004, p.1453).

محمود نجیب حسنی هم پس از بیان عامل طاری مستقل و تابع می‌گوید: «گروهی از حقوق‌دانان کوشیدند تا عامل طاری که این رابطه را قطع نمی‌کند و وجه جداسازی آن را از عامل پسینی که این رابطه را از میان می‌برد روشن کنند از این‌رو از ایده‌ی پیش‌بینی کمک گرفتند. اگر عامل، پیش‌بینی‌پذیر باشد، تابع است و رابطه سببیت را قطع نمی‌کند، اما اگر پیش‌بینی‌شدنی نباشد، مستقل است و رابطه سببیت را قطع می‌کند» (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۵).

در خصوص عامل مداخله‌گر وابسته گفته‌اند، چون در پاسخ به عمل قبلی متهم انجام می‌شود یک سبب مداخله‌گر واکنشی و عکس‌العملی است (Dressler, Joshua. 2006, p.204) اگر عملی که از سوی خود قربانی صورت می‌گیرد در پاسخ به اقدامات مجرمانه متهم و سبب اولیه و نیز تحت تأثیر آن باشد، یک سبب مداخله‌گر وابسته است و اگر عملی احمقانه، غیرمعقول و غیرقابل پیش‌بینی باشد دیگر سبب مداخله‌گر وابسته نیست و خود شخص قربانی مسئول است.

نمونه عمل مداخله‌گر وابسته در حقوق انگلیسی در دعوی «روبرت» است که متهم پس از سوار ماشین کردن مجنی علیه به او پیشنهاد رابطه جنسی داد و حرکاتی برای آزار قربانی انجام داد و قربانی خودش را از داخل ماشین به بیرون انداخت و دادگاه متهم را محکوم کرد (Jonathan Herring, 2006, P.115).

1. foreseeability

گفتیم اقدام شخص ثالث برای قطع زنجیره سببیت که به صورت ارادی و مستقل و بدون هماهنگی و ارتباط با سبب اولیه باشد به عنوان عامل مداخله‌گر مستقل است، ولی اگر این ویژگی نباشد، مداخله‌گر وابسته است. «این نکته در دعوی پگت در سال ۱۹۸۳ مطرح شد. متهم که دختری را به عنوان گروگان و سپر بلای خود گرفته بود بر روی مأمورین پلیس که سعی در دستگیری وی داشتند آتش گشود. مأمورین پلیس به آتش او پاسخ گفتند و گلوله‌های آن‌ها به دختر برخورد کرده، وی را کشت. مقرر شد که افعال متهم باعث مرگ دختر شده است» (کلارکسون، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶). چون عمل پلیس واکنشی در مقابل عمل متهم بود، حالت مداخله‌گر وابسته است. در رویه قضایی انگلستان خطای پزشکی اصولاً باعث قطع رابطه سببیت نیست و اگر کسی به دیگری جراحی وارد کند و شخص برای درمان به پزشک مراجعه کند، چون کار پزشکی و درمان وابسته و در پاسخ به عمل متهم بوده، لذا یک عامل مداخله‌گر وابسته است. خطای پزشکی که رابطه سببیت را از میان می‌برد، درمان همراه با خطای سنگین نامیده می‌شود در همین زمینه اگر کسی جراحی بر دیگری وارد کند و پزشک جراح در محل جراحی چه با سوءنیت و چه از روی سهل‌انگاری سم بریزد و این امر سبب مرگ مجنی‌علیه شود، متهم مسئول این نتیجه نیست (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۸). بر اساس دیدگاه استیفن که حمایت‌های نوینی را پشت سر دارد، هیچ تفاوتی میان حقوق کیفری و مدنی در خصوص آثار بی‌مبالاتی پزشکی وجود ندارد. در هر دو، برای انتفای مسئولیت ناشی از مرگ، بی‌مبالاتی فاحش (فقدان دانش و مهارت متعارف) لازم است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

از جمع‌بندی مطالب بالا به این نتیجه می‌رسیم که در تمامی موارد یادشده چه اقدام شخص ثالث و چه اقدام خود شخص و چه اقدام پزشک در درمان، چنانچه اعمال شخص دوم و مداخله‌گر تحت تأثیر و وابسته به عامل اول و قابل پیش‌بینی و معقول و متعارف باشد، به‌عنوان عامل مداخله‌گر وابسته بوده، نافی رابطه سببیت بین متهم و عامل اول و نتیجه نیست.

## ۲.۱. تطبیق عامل مداخله‌گر وابسته با سبب و مباشر

از بررسی و مقایسه این دو می‌توان تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی را مشاهده نمود. به نظر می‌رسد اگر مباشر که برابر ماده ۵۲۶ قانونی مجازات اسلامی به صورت بی‌اختیار و جاهل و صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، درحقیقت مثل آن است که سبب مداخله‌گر وابسته باشد و در هر دو سیستم حقوقی سبب که اقوی است ضامن و مسئول مدنی است، لیکن در این قسمت فرق نظام حقوقی انگلستان با ایران آن است که در موارد اشاره‌شده در ماده ۵۲۶ خواه ناشی از حدوث عملکرد مباشر جاهل و بی‌اختیار باشد و خواه ناشی از حالت صغیر ممیز و مجنون، ما با یک مباشر کاملاً ضعیف و اضعف مواجه هستیم که شاید تحت تأثیر سبب به این حالت مبدل

نشده و این مباشر اصلاً قابلیت انتساب عمل زیان بار و مجرمانه را ازدست داده است و در کنار یک سبب اقوی تبدیل به یک وسیله بی اختیار شده است. ولی در حقوق انگلستان شاهد بودیم که مباشر چه بسا دارای اراده و اختیار و آگاهی بوده، حالت صغر و جنون هم نداشته، ولی تحت تأثیر و هیجان و واکنش عامل اولیه قرار گرفته و عملکردش هم معقول، متعارف و قابل پیش بینی بوده است و در این حالت همچنان عامل اول مسئولیت دارد.

در حقوق ایران در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ در خصوص اجتماع اسباب ضمان به عهده سبب مقدم در تأثیر می باشد و همین طور اگر یکی عدوانی و دیگری غیرعدوانی باشد، سبب عدوان ضامن است که پیش تر مباحث فقهی آن را هم مطرح کردیم و می توانیم با مقایسه با عامل مداخله گر در حقوق انگلیس سبب مقدم در تأثیر را همان سبب اولیه و عامل اولیه بدانیم و سبب مؤخر در تأثیر را عامل دوم و به اصطلاح عامل مداخله گر وابسته بشمریم و سبب عدوانی را در کنار سبب غیرعدوانی می توانیم حسب مورد عامل مداخله گر مستقل یا سبب اولیه بدانیم و اینکه عامل اول یا عامل دوم باشد.

لازم به یادآوری است که برابر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی در اجتماع سبب و مباشر و تساوی میزان مداخله آن ها، هر دو به طور مساوی مسئول اند و در صورت عدم تساوی در میزان مداخله و تأثیر هر کدام باید به نسبت تأثیر و مداخله برای هر کدام میزان مسئولیت در پرداخت خسارت را تعیین کنیم که با این وصف نمی توانیم. برای مثال، اگر مباشر شبیه یک عامل مداخله گر در حقوق انگلیس حتی تحت تأثیر و وابسته به سبب و از مسئولیت مبرا باشد و نیز با توجه به مطالب پیش گفته در دعوای «پگت» که در حقوق انگلیس عمل پلیس را در تیراندازی و کشته شدن دختر موجه جلوه داد و مبرا از مسئولیت دانست، در حقوق ایران با وصف واکنشی بودن عمل پلیس، باین همه، پلیس مسئول پرداخت خسارت و دیه است که نشان از حاکمیت عینی گرایی و مادی گرایی در حقوق ایران در مقابل عوامل سرزنش پذیری و تأثیر عوامل غیرمادی بر تعیین مسئولیت در حقوق انگلستان دارد.

## نتیجه

- در فقه و حقوق ایران در حالت اجتماع اسباب اصولاً ضمان سبب مقدم در تأثیر پذیرفته شده است، ولی ضمان سبب مؤخر در وجود و نیز در حالت عدوانی و غیرعدوانی و مجاز و غیرمجاز که باشد مسئولیت با سبب عدوانی و غیرمجاز برقرار می شود. لیکن در حقوق انگلیس این تشتمت کمتر به چشم می خورد و بر مبنای مسئولیت سبب مستقیم و نزدیک نتیجه هر عاملی که بتواند کاملاً مستقل و ارادی و آزادانه و بدون هماهنگی با عامل اولیه عمل کند، می تواند زنجیره سببیت را قطع کند و

- نامش عامل مداخله‌گر مستقل است و هر عاملی که تحت تأثیر عامل اول قرار گیرد و مستقل نباشد، یعنی وابسته باشد، تحت عنوان عامل مداخله‌گر وابسته قرار می‌گیرد و نافی رابطه سببیت بین عامل اولیه و نتیجه نیست.
- در حالت اجتماع سبب و مباشر در حقوق ایران، چنانچه مباشر ضعیف و برای مثال، بی‌اختیار، جاهل و مغرور و تنها آلت دست سبب باشد، مسئولیت ندارد و آلتا با سبب مسئولیت مساوی دارد و در حالت تغییر میزان دخالت به میزان تأثیر مسئول است و برای نمونه حتی اگر تحت تأثیر مستقیم سبب مرتکب جنایت و صدمه و تلف گردد، باز هم مسئول است. درحالی که در حقوق انگلستان مباشر دارای اختیار هم اگر تحت تأثیر سبب اولیه مرتکب جنایت شود، مسئول نیست.
  - اقدام نامعقول و نامتعارف شخص علیه خود در هر دو سیستم مسقط ضمان است.
  - اقدامات درمانی و پزشکی در حقوق ایران اگر با قصور و تقصیر باشد، مسئولیت آور و در حقوق انگلیس اگر همراه با خطای سنگین باشد، عامل مداخله‌گر مستقل بوده، قاطع زنجیره سببیت است.
  - پیشنهاد می‌شود در حقوق ایران مثل حقوق انگلیس در حالتی که مباشر دارای اختیار و اراده است، لیکن تحت تأثیر سبب اقداماتی انجام می‌دهد که معقول و قابل پیش‌بینی است، مسئولیت سبب را بپذیریم و نیز در حالت اجتماع طولی اسباب عدوانی هر دو سبب را مسئول بدانیم و یکی را بلامرجه بر دیگری ترجیح ندهیم. درضمن با وجود ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و تعیین تکلیف مباشر بی‌اختیار، حکم ماده ۴۹۹ قانون یادشده زائد است و بهتر است حذف شود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی و عربی

۱. آقای نیما، حسین (۱۳۹۳)، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، چ ۱۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲. ای مارتین، الیزابت (۲۰۰۶م)، فرهنگ حقوقی آکسفورد، چ ۶، تهران: انتشارات خرسندی.
۳. بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۹ق)، قواعد الفقهیه، چ ۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۰، تهران: گنج دانش.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰)، «استناد و نقش آن در شرکت در جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۳، ص ۱۰۷-۱۴۶.
۶. حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۷. خادم رضوی، قاسم؛ نوعی، الیاس؛ مهرپویان، آزاده (۱۳۹۴)، «رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی، نگاهی تطبیقی به حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ش ۱۰، سال سوم، ص ۴۳-۶۶.
۸. شیخ طوسی (بی تا)، المیسوط فی فقه الامامیه، مکتبه المرتضویه، ۸ جلدی، چ ۳.
۹. طاهری نسب، یزدالله (۱۳۸۹)، رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، چ ۲، تهران: دادگستر.
۱۰. فرجی ها، محمد و بازیار، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «جبران دولتی خسارت‌های بزه دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۲، دوره دوم، ص ۱۵۲-۱۳۳.
۱۱. فیض، علیرضا (۱۳۷۰)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، چ ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۴)، تسبیب در قوانین کیفری، چ ۳، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، مترجم: حسین میرمحمدصادقی، تهران: انتشارات مجد.
۱۵. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲)، محشای قانون مجازات اسلامی، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۱۶. لطفی، اسدالله (۱۳۹۲)، موجبات و مسقطات ضمان، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
۱۷. محسنی، فرید و ملکوتی، نصیر (۱۳۹۴)، «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۱، ص ۱۵۹-۱۳۵.
۱۸. موسوی خمینی، روح‌الله (بی تا)، تحریر الوسیله، مترجم: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، چ ۱۲، تهران: نشر میزان.
۲۰. میرشکاری، عباس (۱۳۹۶)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۲، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. نجیب حسنی، محمود (۱۳۹۱)، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سید علی عباس نیای زارع، چ ۳، مشهد: انتشارات علوم اسلامی رضوی.
۲۳. واین آر، لفو (۱۳۸۳)، سببیت در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، مترجم: حسین

- آقایی نیا، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۲۴. هارت، اچ. ال. ای. و هونوره، تونی (۱۳۹۲)، سببیت در حقوق، مترجم: حسین آقایی نیا، چ ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق)، موسوعه الفقه الاسلامی، چ ۱، قم.
۲۶. یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۷۸ق)، حاشیه بر مکاسب، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

### ب) خارجی

27. Ashworth, Andrew, (1992), Principles of Criminal Law Oxford University press, London.
28. Clerk, J. F. (John Frederic), (1995), Clerk and Lindsell on Torts. Sweet & Maxwell, London, 7th.
29. Douglas, Hodgson, (2013) "Intervening Causation Law in a Medical Context", 15U. Notre Dame Austl, L.Rev.22 .
30. Dressler, Joshua, (2006), Understanding criminal law, Lexis nexis, U.S.A.
31. Elliott, Catherine, and Quinn, Frances, (2002), Criminal law, Longman-publisher, London.
32. G.M.V, Clarkson, (1987), Understanding criminal law, Fontana press, London.
33. Goodwin, Schiesl Ioura, (2004), "Causation in California Homicide", Loyol of Los Angeles law review.
34. H.L.A, HART & A.M, HONORE, (1959), Causation in the law, Oxford at the Clarendon press, London.
35. Herring, Jonathan, (2006), Criminal law, Text-cases and material, Oxford, U.S.A.